

ضرورت یا عدم ضرورت تعیین جلسه پس از قبول اعاده دادرسی؟

معاونت محترم آموزش و تحقیقات دادگستری
کل استان تهران
دکتر زندی

با سلام و تقدیم احترام

نظر به اینکه در خصوص نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب که ریاست محترم قوه قضائیه اعاده دادرسی را تجویز می فرمایند، از جهت لزوم رسیدگی با تعیین وقت رسیدگی و دعوت از طرفین و عدم ضرورت آن (تعیین وقت) و صدور حکم در وقت فوق العاده بدون دعوت از طرفین، مورد اختلاف می باشد و عده ای از همکاران محترم با این استدلال که معمولاً در این گونه پرونده ها طرفین در جلسات دادرسی بدوی و تجدیدنظر و یا با لایحه مطالب خود را بیان نموده اند و در این مرحله دلیل جدیدی ارائه نمی شود تا نیاز به وقت رسیدگی داشته باشد و تعیین وقت رسیدگی موجب اطلاع دادرسی می گردد و همان گونه که در رسیدگی به پرونده های تجدیدنظر، دادگاه تجدیدنظر می تواند در وقت فوق العاده رای صادر نماید و ضرورتی بر تعیین وقت رسیدگی ندارد و از طرفی، عده ای دیگر از همکاران محترم با این استدلال که اصول دادرسی از جمله اصل تناظر ایجاب می نماید طرف دعوی از این مرحله از دادرسی مطلع و دفاع نماید؛ لذا ضرورت دارد دادگاه به هر حال با تعیین وقت و دعوت از طرفین رسیدگی نماید به ویژه آنکه برابر قانون، این مرحله به عنوان اعاده دادرسی رسیدگی می گردد و در اعاده دادرسی پس از صدور قرار قبولی (در پرونده های حقوقی) و یا تجویز آن در شعبه دیوان عالی کشور (در پرونده های کیفری) با تعیین وقت و دعوت از طرفین رسیدگی می نماید در اینگونه موارد نیز ضرورت دارد تا دادگاه به این نحو عمل نماید و اعتقاد به ضرورت تعیین وقت رسیدگی دارند. علیهذا نظر به اهمیت موضوع خواهشمند است مراتب در کمیسیون استان طرح گردد. پیشاپیش از تسریعی که مبذول خواهید فرمود صمیمانه قدردانی می نمایم.

محسن اهورکی

رئیس شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

جناب آقای اهورکی

رئیس محترم شعبه ۵۲ دادگاه

تجدیدنظر استان تهران

با سلام

عطف به سوال مکتوب ۸۸/۳/۲۷ به استحضار می رساند:

یکی از طرق فوق العاده تجدیدنظر خواهی توسل به شیوه اعاده دادرسی است. موارد اعاده دادرسی در امور مدنی در مواد ۴۲۶ به بعد آیین دادرسی مدنی و موارد اعاده دادرسی در امر کیفری در مواد ۲۷۲ به بعد آیین دادرسی کیفری آمده است. در قانون، تعریف دقیق و جامعی از اعاده دادرسی بیان نشده،

اعاده دادرسی نوعی از دادرسی فوق العاده [است]، که به موجب آن ذی نفع از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست می کند، در حکم خود تجدیدنظر کند. ترتیبات رسیدگی با توجه به تبصره ذیل ماده ۴۳۵ آ.د.م مطابق مقررات مربوط به دعاوی است.

در خصوص آیین رسیدگی به اعاده دادرسی عموماً و موضوع ماده ۱۸ قانون اصلاحی تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب خاصه، به صورت اطلاق نمی توان یک شیوه را ذکر کرد، چنانچه جهات متفاوت است؛ مثلاً در مواردی که مغایر بودن دو حکم علت اعاده دادرسی است دادگاه بعد از صدور قرار قبولی دادخواست اعاده دادرسی و فسخ حکم دوم لازم نیست حکم مجددی بدهد، در این صورت حکم اول به قوت خود باقی خواهد بود. لذا نیازی به تشکیل جلسه دادرسی نیست یا جهاتی که امور کیفری تجویز برای اعاده دادرسی نموده است یا مثل ثبوت حیات شخص مجنی علیه، اثبات جعلی بودن اسناد یا تخفیف مجازات در قانون لاحق. نتیجتاً به نظر می رسد بر این موضوع نیز مقررات و شیوه بررسی جهات تجدیدنظر خواهی حاکم است که به تشخیص دادگاه پس از صدور قرار قبولی اعاده دادرسی از سوی محکمه یا دیوان یا تشخیص رئیس قوه قضائیه عنداللزوم وقت رسیدگی تعیین خواهد شد.

دکتر محمدرضا زندی

معاون آموزش دادگستری استان تهران

آقای اهورکی

رئیس محترم شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

بازگشت به استعلام بدون شماره مورخ ۱۳۸۷/۴/۲۲ نظریه مشورتی اداره کل حقوقی، اسناد و امور مترجمین قوه قضائیه به شرح زیر اعلام می گردد:

نظریه اینکه رسیدگی به دعاوی کیفری و حقوقی در تمامی مراحل در چارچوب مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و کیفری به عمل می آید و دادگاه ها مکلف به رعایت اصول دادرسی در جریان رسیدگی به پرونده ها می باشند و نظر به اینکه طبق قسمت اخیر تبصره ذیل ماده ۴۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی در رسیدگی به دعاوی اعاده دادرسی موضوع ماده ۴۲۶ قانون یاد شده تصریح گردیده که پس از صدور قرار قبولی اعاده دادرسی، سایر ترتیبات رسیدگی مطابق مقررات مربوط به دعاوی است و در دعاوی کیفری نیز پس از صدور قرار قبولی اعاده دادرسی توسط دیوان عالی کشور و اعاده به شعبه هم عرض، رسیدگی دادگاه ها مطابق مقررات مربوطه است و با توجه به اینکه رسیدگی به پرونده هایی که پس از تجویز اعاده دادرسی (موضوع ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴) توسط ریاست محترم قوه قضائیه در دعاوی حقوقی جهت رسیدگی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی و در دعاوی کیفری به دادگاه هم عرض ارجاع می شود تابع عموماً مقررات یاد شده است و نظر به اینکه مطابق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی در امور مدنی و بند «ج» ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی در امور کیفری تعیین وقت رسیدگی به منظور حفظ حقوق خواننده و اصحاب دعوی کیفری و فراهم آوردن امکان دفاع و پاسخگویی برای آنها از اصول اولیه دادرسی است که در رسیدگی های فوق العاده دادگاه ها نیز بایستی رعایت شود و به عذر جلوگیری از اطاله دادرسی چنین حقی از اصحاب دعوی قابل اسقاط نیست.

بنا به مراتب مذکور چون لزوماً دادگاه ها در مقام رسیدگی، نفیاً یا اثباتاً ناچار به اصدار رای در ماهیت می باشند؛ لذا مکلف به رعایت اصول دادرسی از جمله تعیین وقت رسیدگی هستند. مگر اینکه طرفین در دادگاه حاضر شده و امادگی خود را برای رسیدگی اعلام دارند که فقط در این صورت رسیدگی بدون تعیین وقت قبلی فاقد اشکال قانونی است.

معاون اداره کل امور حقوقی
و اسناد امور مترجمین قوه قضائیه
غلامحسین افتاده

